

موضوع: مصادیق فضل الهی و راههای رسیدن به آن از منظر قرآن

صفیه داوریپور^۱

چکیده

خداوند متعال بر مبنای معیار دقیق عدل خویش، به حساب و کتاب بندگان رسیدگی نموده و بر همین اساس می‌بخشد و یا عذاب می‌نماید. آنچه در مقابل این حساب و کتاب عادلانه قرار گرفته، «فضل» اوست که بر عدلش پیشی گرفته و اصل بر آن می‌باشد. فضل خدا قطره‌های زلال باران رحمت الهی هست که بر همگان می‌بارد و همچون غذای نیروبخش است که یک دانشمند نیک سرشت برای تعلیم و تربیت و دانش افزایی از آن نیرو می‌گیرد و یک ستمگر برای بیدادگری بیشتر از آن سود می‌برد. فضل به معنای افزونی و زیادتى در خیر و عطای بیش از استحقاق گیرنده است. شناخت مصادیق فضل و گستردگی آن در قرآن کریم می‌تواند در بهره‌مندی و صعود انسان نقش مؤثری داشته باشد. سعی این پژوهش بر آن است که معنای فضل را بررسی و مهم‌ترین عوامل فضل را نشان داده و بیان دارد که مصادیق فضل و راههای برخورداری از آن الطاف خداوند در جهان برای بهره‌مندی و آسایش بندگان می‌باشد و کافر و مؤمن هر دو را در بر می‌گیرد. مقاله حاضر به روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی و تحلیلی سامان یافته است که در صدد پاسخگویی به این سؤالات است که مفهوم فضل در قرآن چیست؟ و مصادیق فضل و برخورداری از فضل از منظر قرآن کدامند؟ در پایان نیز به این نتیجه خواهیم رسید که فضل الهی دائم مانند باران رحمت در حال ریزش است و جذب و دریافت آن به ظرف وجودی بندگان برمی‌گردد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، فضل، مصادیق فضل، روایات، نماز.

الف) مقدمه

از مهمترین مظاهر لطف و رحمت الهی بر تمام مخلوقات هستی به ویژه انسان، برخوردارگی از فضل حق تعالی است که انسان‌های نیک سیرت از آن برای تعلیم و تربیت، نیرو می‌گیرند و ناسپاسان بد طینت از آن غافل نموده و کفران می‌ورزند، شناخت مفهوم فضل با توجه به گستردگی آن در قرآن کریم و روایات، می‌تواند تأثیر مثبت بسیاری در دستیابی به تفضلات الهی و رسیدن انسان به قله کمالات داشته باشد.^۱

قرآن فضل عظیم و کبیر الهی بر پیامبر اکرم (ص) است که خداوند آن را بر قلب پاک پیامبر عظیم الشان خود الهام نمود، و او را مختص فضل عظیم و کبیر خود نموده است.

فضل و عوامل آن با تدبر در قرآن و روایات ائمه معصومین(ع)، این دو ثقل ارزشمند و ماندگار از رسول اکرم(ص)، بهتر قابل شناسایی است.

فضل از فیوضات الهی است، چنان باران رحمت از سوی خداوند متعال دائم در حال ریزش است و به سوی هر مستعدی روان می‌شود و بیش از استحقاق می‌بخشد. فضل عطیه و ثواب الهی و گستردگی احسان خداوند بر مخلوقاتش می‌باشد و این حالت اختصاص به فرد خاصی ندارد و به تناسب ظرفیت‌ها، همه بندگان مؤمن و کافر را در بر می‌گیرد.

فضل عام و فراگیر خداوند، پدید آورنده و تنظیم کننده قانون عمومی حیات است و در نفوس مستعد و مقدّس، تجلّی و منشأ رحمت خاص می‌شود.

بنابراین سعی بر این است تا با استفاده از آیات قرآن کریم، فضل عظیم خداوند و عوامل برخوردارگی از آن در انسان‌ها را که کتاب خدا (قرآن) و اولین مفسّر آیات الهی وجود مبارک نبی اکرم(ص) و به پیروی از ایشان ائمه اطهار(ع) می‌باشد را بیشتر معرفی نماییم تا همگان بدانند که فضل به دست خداست و هر که را خود مصلحت ببیند عطا می‌کند، و مصادیق فضل و برخوردارگی از آن، انسان را برای صعود در مرتبه عالی انسانی یاری می‌رساند.^۲

۱. رضایی، عوامل و آثار فضل الهی در قرآن کریم، ص ۱۲۲.

۲. موسوی؛ فلاح؛ ابوترابی، مفهوم شناسی فضل الهی و عوامل برخوردارگی از آن در قرآن کریم، شماره ۶، ص ۱۱۲.

ب) بیان مسئله

از آنجایی که فضل یکی از توجهات خاص خداوند نسبت به بندگانش می‌باشد و وسعت رحمت و نعمت خود را بر بندگان ارزانی می‌دارد و با توجه به اینکه قرآن و روایات معصومین فضل و برتری را در امور مادی و معنوی بیان داشته و اهمیت زیادی به آن داده و بهره‌گیری از رزق و روزی را به عنوان تفضل بر بندگان یادآور می‌شود، بدین جهت شایسته است تا این مسئله از منظر قرآن مورد بررسی قرار گیرد.

تأثیر عوامل معنوی در زندگی بشر از مواردی است که با توجه به جهان‌بینی هر فرد و نوع مسلک و فرقه‌اش، اهمیت متفاوتی در زندگی روزمره انسان‌ها می‌یابد. عموماً افرادی که معتقد به جهان‌بینی‌های توحیدی و ماورای طبیعی هستند با در نظر گرفتن عوامل معنوی در کنار عوامل مادی گستره بیشتری از عوامل مؤثری بر زندگی بشر را مدنظر قرار می‌دهند.

امام جواد(ع) می‌فرماید: «الْفَضَائِلُ أَرْبَعَةٌ أَجْناسٍ ، أَحَدُهَا : الْحِكْمَةُ وَ قِيَامُهَا فِي الْفِكْرَةِ ، وَ الثَّانِي : الْعِفَّةُ وَ قِيَامُهَا فِي الشَّهْوَةِ ، وَ الثَّلَاثُ : الْقُوَّةُ وَ قِيَامُهَا فِي الْغَضَبِ ، وَ الرَّابِعُ : الْعَدْلُ وَ قِيَامُهَا فِي اعْتِدَالِ قُوَى النَّفْسِ». امام جواد(ع) در مورد انواع فضیلت می‌فرماید: «فضیلت چهار گونه است. اول حکمت، که جان مایه آن اندیشه است؛ دوم غفلت، که جانمایه اش شهوت است؛ سوم قدرت، که جان مایه اش خشم است؛ چهارم عدالت، که قوام آن اعتدال قوای نفسانی است.^۱

واژه فضل از واژگانی است که در همه ادیان مورد استفاده فراوان قرار می‌گیرد. کاربرد این واژه و ریشه‌های آن، در جامعه ما نیز مشهود است؛ مانند اصطلاحاتی چون عالم صاحب فضل، مرجع فاضل و... البته کتاب مستقلی درباره فضل نگاشته نشده به همین منظور با استفاده از تفاسیر مختلف مفهوم فضل و عوامل برخورداری از آن از منظر قرآن کریم مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است.^۲

۱. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، چاپ دوم، جلد ۹، ص ۱۴۷

۲. همان: ص ۱۱۳.

ج) اهداف پژوهش

هدف اصلی

بررسی مصادیق فضل الهی و راههای رسیدن به آن از منظر قرآن

هدف فرعی

بررسی مصادیق مادی و معنوی فضل الهی از منظر قرآن

بررسی عوامل برخورداری از فضل الهی از منظر قرآن

د) روش پژوهش

روش پژوهش در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. در گام نخست منابع تحقیق شناسایی و جمع آوری و بایگانی و دسته‌بندی می‌شود. سپس، مطالعات لازم در منابع تحقیق اعم از کتب فارسی و خارجی، مقالاتی که در نشریات داخلی و خارجی منتشر شده و نیز هرگونه منابع دیگر از جمله اطلاعات منتشره در صفحات دیجیتالی و اینترنتی انجام و از طریق فیش‌برداری اطلاعات لازم استخراج می‌شود و سرانجام، با استفاده از اطلاعات گردآوری شده موضوع توصیف و تحلیل و نتیجه‌گیری خواهد شد.

ر) مبانی نظری پژوهش

۱-۱- مفهوم شناسی فضل

«فضل» یک واژه عرب است و در قرآن مکرراً استفاده شده و معانی مختلفی دارد. بررسی معنای واژه «فضل»، در دو حیطة «مفهوم شناسی لغوی» و «مفهوم شناسی اصطلاحی» امکان‌پذیر می‌باشد.

۱-۱-۱- مفهوم لغوی فضل

فضل بر افزونی و زیادتی در چیزی دلالت دارد. از جمله فضل: زیادتی و خیر است و افضال به معنای احسان می‌باشد.^۱ مفردات واژه فضل را زیاده از اقتصاد و میانه آورده است.^۲ در مجمع البحرین فضل یعنی زیادتی و فزونی. در لسان العرب فضل یک امر پسندیده است و ضد آن نقص و نقیصه و جمع آن فضول می‌باشد.^۳

۱. ابن فارس، مقاییس اللغة، محقق؛ عبدالسلام محمد هارون، جلد ۴، ص ۵۰۸.

۲. راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، ج ۳، ص ۳۸۳.

۳. ابن منظور، لسان العرب، جلد ۱۰، ص ۲۸۰.

۱-۱-۲- مفهوم اصطلاحی فضل

فضل به معنی برتری و فزونی و مقدار زاید بر حدّ وسط است ولی به طور کلی تمام مواهبی را که خدا ارزانی داشته است شامل می‌شود، فضل اشاره به نعمت الهی و نعمت عام پروردگار به دوست و دشمن می‌باشد.^۱

فضل اعطاء بیش از نیازهای اولی و بیش از استحقاق است؛ جریان سرشار و لبریز از فیض است که به سوی هر مستعدی روان می‌شود و بیش از استحقاق می‌دهد؛ بهره بیش از استحقاق و مورد انتظار است.^۲

فضل در آیات قرآن به معنای برتری، عطیّه، احسان و رحمت است. برتری در جنبه معنوی آن مثل «فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ» (اعراف/۳۹) «شما را بر ما امتیازی نیست»، و برتری مادی مثل «وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ» (نحل/۷۱) «و خدا بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است».^۳

۱-۲- کاربرد قرآنی فضل

با آگاهی و اطلاع بر وجوّهات مختلف فصل تفاسیر گوناگون یک آیه مفهوم دلنشین‌تری پیدا می‌کند و خواننده را قانع و بر اطلاعات و دانستنی‌هایش می‌افزاید.

در الاشباه و النظائر دامغانی آمده است که تفسیر فضل بر هفت وجه است: اسلام، نبوت، رزق فی الجنه، رزق فی الدنيا، خلف المال، منت، جنت (بهشت).

وجه اول فضل که به معنای اسلامی باشد در قول خدای متعال در سوره آل عمران «قُلْ أَنْ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ» (آل عمران/ ۷۳) و نظیر آن در سوره جمعه آیه ۴ و در سوره یونس: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ» (یونس/۵۸) می‌باشد.

وجه دوم فضل به معنای نبوت می‌باشد، مانند قول خداوند در سوره نسا، «وَ كَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا» (نسا/ ۱۱۳) و نظیر آن در سوره اسراء «إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا» (اسراء/ ۸۷).

وجه سوم فضل یعنی رزق و روزی در بهشت در قول خدای متعال در سوره نساء آمده است: «يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ» (آل عمران/ ۱۷۱) و آیه «فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَ فَضْلٍ» (نساء/ ۱۷۵).

۱. شریعتمداری، شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، جلد ۳، ص ۴۷۱.

۲. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، جلد ۱، ص ۲۳۶.

۳. قرشی، قاموس قرآن، جلد ۵، ص ۱۸۳.

که با آن میان حق و باطل فرق گذاشته می شود. این تفرق اگر در اعتقادات واقع شود، به معنای جدا کردن ایمان و هدایت است از کفر و ضلالت و اگر در عمل واقع شود، به معنای جدا کردن اطاعت و هر عمل مورد خشنودی خدا از معصیت و هر عملی که موجب غضب او گردد، می باشد. «فرقان» در رأی و نظر نیز به معنای جدا کردن فکر صحیح از باطل است که همه اینها در اثر پرهیزکاری در انسان حاصل می شود.

در بخش دیگری از آیات قرآن کریم نیز یکی از تفضلات الهی بر انسان را قرار نوری پیش روی او معرفی می کند که از آن تعبیر به «امام» شده است. بدون شک چنین نوری موجب افزایش قدرت تشخیص و بصیرت انسان شده و او را هدایت به راه مستقیم می نماید و از قرار گرفتن در بی راهه ها، محافظت می نماید.^۱

نتیجه گیری

با بررسی واژه «فضل» و مشتقات آن در قرآن کریم، در می‌یابیم که فضل الهی همواره و به انحاء گوناگون شامل حال همه بندگان بوده ولی گاهی برخی بر اثر غفلت زدگی به آن توجه نمی‌نمایند و با غرق شدن در روزمرگی‌های زندگی دنیوی، فراموش می‌کنند که بخششی که خداوند با آنان روا داشته، حتی از جانب آنها بر خدای تعالی نبوده، بلکه فضل و رحمت واسعة الهی است که شامل حال آنها گردیده است.

در واقع می‌توان عنوان نمود: فضل خداوند به بندگان همان عنایت به صراط مستقیم از هدایتی که در بهای رحمت و بخشش خداوند را بر روی بندگان می‌گشاید که ما نیز از خداوند می‌خواهیم که ابواب فضل و رحمتش را بر روی ما بگشاید. فضل عطیه و ثواب الهی و گستردگی احسان خداوند بر بندگان می‌باشد. خداوند فضلش توسعه دارد و حکمتش انتخابگر است و طبق اراده او و با انجام و انتخاب بندگان به هر کس که بخواهد اختصاص می‌یابد و کاری به میل این و آن ندارد. مفهوم فضل به گسترش رحمت و فیض الهی که کافر و مؤمن هر دو را در بر می‌گیرد و توجه به عوامل برخورداری از فضل خداوند از جمله: ایمان و عمل صالح، تقوا، نماز، دعا و اعتصام و... که این امور وسیله‌ای برای ترقی و صعود انسان در زندگی دنیا و رسیدن به سعادت آخرت می‌باشد. قرآن سعادت بشر را در گرو عواملی چون ایمان و عمل صالح و ... می‌داند. مقصود قرآن از «ایمان»، ایمان به ذات اقدس ربوبی که ایمان به او ایمان به همه حقایق عالم است. یکی از ارکان زندگی بشر این است که به چیزی ایمان داشته باشد و به اصل متکی باشد و چیزی را حقیقت بیندارد و در مقابل او تسلیم باشد و خضوع کند و به خاطر او فداکاری و جانفشانی نماید. نتیجه پیروی از برهان و نور موجب برخورداری از فضل و رحمت خداوند می‌باشد.

بنابراین فضل از فیوضات الهی چنان باران رحمت از سوی خداوند متعال دائم در حال ریزش است و به سوی هر مستعدی روان می‌شود و بیش از استحقاق می‌بخشد.

فضل الهی، دریافت آثار مثبت دنیوی و اخروی خاصی از جانب خداوند است که در دو بعد مادی و معنوی می‌تواند نصیب انسان گردد. دریافت تفضلات الهی بستگی به ظرفیت وجود هر انسانی دارد. هرچه تلاش انسان در جهت تقویت نیروی ایمان و تقوا و پرورش روحیه اطاعت پذیری بیشتر باشد، ظرفیت وجودی او برای دریافت فضل الهی گسترش یافته و از این موهبت‌های مادی و معنوی در زندگی دنیوی و اخرویش برخوردار می‌گردد.

خداوند با در نظر گرفتن ظرفیت وجودی هر یک از بندگان و با توجه مصلحتی که برای آنها تعیین نموده است، هر یک از آنها را از بخشی از مصادیق فضل خود بهره‌مند می‌گرداند. لذا ما نمی‌توانیم و نباید مصداق خاصی از فضل الهی را از آن منبع بی‌کران، درخواست نماییم. بلکه آنچه به عنوان وظیفه و به منظور هدایت از ما خواسته شده است، فقط درخواست فضل از مالک بی‌همتای هستی می‌باشد.

داشتن روحیه شکرگزاری و اعتراف به اینکه هرچه از نعمت‌ها و ثروت‌های علمی و غیر علمی داریم، از لطف و کرم ذات مقدس باری تعالی می‌باشد، بیش از پیش ما را لایق دریافت فضایل بیشتر از سوی خداوند می‌نماید.

راضی بودن به رضای پروردگار و اعتقاد به اینکه بعضی از انسان‌ها چون پیامبران، قابلیت بیشتری برای دریافت فضل‌های مخصوص خداوند دارند، شرط اساسی بندگی و دریافت فیض اعظم الهی از جانب حضرت حق می‌باشد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ابن فارس، احمد، مقایسه اللغه، محقق؛ عبدالسلام محمد هارون، جلد ۴، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۳۶۳.
- ابن منظور، جمال الدین محمد مکرم، لسان العرب، دارالاحیاء التراث العربی، بی جا، ۱۴۰۸ق.
- انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات المهدی، بی جا، ۱۳۶۲.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، قم: البعثه، ۱۴۱۵ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرالحکم و دررالکلم، جلد ۵، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۱.
- ثقفی تهرانی، محمد، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، ج ۵، تهران: برهان، ۱۳۹۸ق.
- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم تفسیر قرآن کریم، محقق: سعید بند علی و عباس رحیمیان، ج ۴، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، مترجم: سید غلامرضا خسروی حسینی، جلد ۳، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۸۷.
- زبیری، محمد مرتضی، تاج العروس و جواهرالقاموس، جلد ۹، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۰۶.
- زمخشری، جارالله محمد بن عمر، تفسیر الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقویل فی وجوه التأویل، جلد ۳، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۶۶.
- شریعتمداری، جعفر، شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، جلد ۳، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۵.
- شریفی، احمد حسین، آیین زندگی، دفتر انتشارات معارف اسلامی، قم، ۱۳۸۴.
- صادقی تهرانی، محمد، ترجمان فرقان تفسیر مختصر قرآن کریم، ج ۲، قم: شکرانه، ۱۳۸۸.
- طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، جلد ۱، تهران، ۱۳۶۰.
- طاهر، حبیب الله، درس‌هایی از اخلاق اسلامی یا سیر و سلوک، انتشار اسلامی، بی جا، ۱۳۶۶.

طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۹، قم: جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.

طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، مترجم: حسین نوری همدانی، ج ۱۰، تهران: فراهانی، بی تا.

طیب، عبدالحسین، الطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، تهران: اسلام، ۱۳۶۹.

علوی، سید ابراهیم، تقوا و متقین در نهج البلاغه، ذکر. تهران، ۱۳۷۱.

قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۱۴، ۱۳۸۸.

قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران: جلد ۵، ۱۳۷۲.

گیلانی، عبدالرزاق، شهر مصباح الشریعه، نشر صدوق، تهران، ۱۳۶۶.

مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح اصول کافی، جلد ۱۰، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۷.

متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، جلد ۱، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۳ ق.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۲، تهران: بی تا.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ دوم، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۵.

مشکوه الدین، عبدالمحسن، رساله از مولای متقیان، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد،

۱۳۶۶.

مصاحب، غلام حسین، دائره المعارف فارسی، جلد ۲، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.

مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، جلد ۱۸، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۲.

نراقی، احمد، معراج السعادت، ج ۱، قم: بی جا، ۱۳۷۱.